



Semantics of the Term “‘Ilm” (Knowledge) in the Quran

With Emphasis on Syntagmatic and Paradigmatic Relations

Sayyed Jafar Sadeghi¹ 

1. Assistant Professor, Department of Theological Education, Farhangian University, Tehran, Iran.
Email: dr.sadeghi@cfu.ac.ir

Abstract

The term ‘ilm (knowledge) appears 74 times in the Quran as a verbal noun (maṣḍar). Despite its frequency, many exegetes either omit its definition, provide contextually inconsistent meanings, or offer divergent interpretations for structurally similar usages. In numerous cases, they merely cite its lexical or conventional meaning—“knowledge”—without deeper analysis. Given the critical role of semantic precision in understanding Quranic objectives and the growing influence of linguistic methodologies in contemporary Quranic studies, this research adopts a descriptive-analytical approach and library-based data collection to examine the semantics of ‘ilm through syntagmatic and paradigmatic relations. Findings indicate that nearly 90% of the term’s Quranic usages denote any form of divinely sourced knowledge, cognition, or awareness, while only 10% align with its lexical meaning. Analysis of its relations with co-occurring terms reveals that, from the Quranic perspective, only definitive, certain knowledge (‘ilm yaqīnī)—rooted in God’s omniscience and transmitted through revelation (waḥy) and celestial scriptures (e.g., Torah, Gospel, Quran) to the prophets and then other humans—qualifies as true ‘ilm. This Quranic term primarily references the Preserved Tablet (al-lawḥ al-maḥfūz), divine knowledge (‘ilm ilāhī), revelation, and revealed books, including Torah, Gospels, and the Quran.

Keywords: Quran, Knowledge (‘Ilm), Semantics, Syntagmatic Relations, Paradigmatic Relations.

Cite this article: Sadeghi, S. J. (2025). Semantics of the Term “‘Ilm” (Knowledge) in the Quran: With Emphasis on Syntagmatic and Paradigmatic Relations. *Quranic Researches and Tradition*, 57 (2), 503-519. (in Persian)

Publisher: University of Tehran Press.

© The Author(s).

DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2025.390190.670439>



Article Type: Research Paper

Received: 8-Feb-2025

Received in revised form: 12-Mar-2025

Accepted: 19-Mar-2025

Published online: 19-Mar-2025



معناشناسی واژه «علم» در قرآن

با تأکید بر روابط همنشینی و جانشینی

سید جعفر صادقی^۱

۱. استادیار، گروه آموزش الهیات، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. رایانامه: dr.sadeghi@cfu.ac.ir

چکیده

واژه «علم» به صورت مصدر ۷۴ بار در قرآن آمده است. با این همه، در مواردی پرشمار، مفسران به بیان معنای آن نپرداخته یا معنایی ناسازگار با سیاق آیات، یا متفاوت در ساخت‌های مشابه برای آن آورده‌اند؛ در مواردی بسیار نیز صرفاً معنای لغوی یا مصطلح یعنی دانش را به عنوان معنای واژه بیان کرده‌اند. از آنجا که شناخت معانی واژگان قرآن، نقشی عمده در فهم مقاصد آیات قرآن کریم دارد و در مطالعات قرآنی معاصر استفاده از روش‌های زبان‌شناختی نقشی مؤثر یافته است، این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با شیوه گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای انجام شد تا معناشناسی واژه علم در قرآن با تکیه بر روابط همنشینی و جانشینی صورت گیرد. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که نزدیک به ۹۰٪ از کاربردهای این واژه در قرآن ناظر به هرگونه دانش، شناخت و آگاهی با منشأ الهی است و تنها نزدیک به ۱۰٪ از کاربردهای آن به معنای لغوی علم است. همچنین بررسی روابط میان این واژه و واژگان هم‌حوزه آن نشان می‌دهد که تنها علم قطعی و یقین‌آور از منظر قرآن، علمی است که منبع آن خداوند و علم او باشد که از مجرای وحی و در قالب کتاب‌های آسمانی در اختیار انبیاء و بالتبع، دیگر انسان‌ها قرار می‌گیرد؛ از این منظر، «علم» در قرآن بیشتر برای لوح محفوظ و علم الهی، وحی و کتاب‌های آسمانی اعم از تورات، انجیل، و قرآن استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، علم، معناشناسی، همنشینی، جانشینی.

استناد: صادقی، سید جعفر (۱۴۰۳). معناشناسی واژه «علم» در قرآن: با تأکید بر روابط همنشینی و جانشینی. پژوهش‌های قرآن و حدیث، ۵۷ (۲)، ۵۰۳-۵۱۹.

نوع مقاله: علمی-پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۰

بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۲۲

پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۹

انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۲۹

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

© نویسندگان

DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2025.390190.670439>



مقدمه

ریشه «علم» ۸۲۷ مرتبه در قرآن در صورت‌های فعلی و اسمی به کار رفته است. از کاربردهای اسمی، در دو موضع جمع سالم و مکسر «عالیم» را مشاهده می‌کنیم که عبارت‌اند از واژه‌های «العالمون» (العنکبوت: ۴۳) و «العلماء» (فاطر: ۲۸) که با توجه به بافت آیات در هر دو مورد علم معادل آگاهی ناشی از اندیشه و تدبیر است. همچنین لفظ «علیم» ۳۲ مرتبه در قرآن به کار رفته که همه برای وصف خداوند بوده است. آنچه می‌ماند واژه «علم» در شکل مصدری با الف و لام یا بدون آن در صورت‌های «علم، علم، علماً و علم» است که در هفت مورد، کلمه «علم» به ضمیر اضافه شده است. ۴۶ مورد کاربرد این واژه بدون الف و لام به کار رفته است. همچنین واژه «علم» در قرآن به شکل جمع به کار نرفته است. کاربرد این واژه با الف و لام یعنی به صورت «العلم» در قرآن در مجموع ۲۸ مورد است.

با وجود کاربردهای فراوان کلمه «علم» در قرآن، پژوهش جامعی در این زمینه تاکنون صورت نگرفته است. نظرات مفسران نیز نشان می‌دهد که آنان در اغلب موارد در تفسیر آیات، از کنار معنای علم گذر کرده‌اند یا معانی مختلف و متفاوتی را که چه بسا قاعده خاصی نیز نداشته است، برای آن بیان نموده‌اند. چنان که گاه یک مفسر با وجود ساخت و مضمون واحد در دو یا چند موضع، معنای یکسانی را بیان نکرده است (نک: زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۱: ۱۸۳، قس: همان، ج ۱: ۳۶۸). از سوی دیگر، به ویژه در میان متأخران و معاصران، واژه علم به معنای دانش مصطلح به کار رفته است (نک: طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۷: ۵۲) در حالی که نگاهی اجمالی به آیات نشان می‌دهد که چنین معنایی از متبادر نمی‌شود.

بر این اساس این پژوهش شکل گرفت تا بر اساس روش معناشناسانه و با رویکرد توصیفی-تحلیلی با بررسی کاربردهای واژه «علم» در قرآن، به مفهوم مراد دست یابد. در این پژوهش برای رهگیری معنا بر اساس سیاق و آیات مرتبط، از دو مفهوم زبانشناختی یعنی روابط همنشینی و جانشینی استفاده شده است. اعضای یک حوزه معنایی، یک نظام معنایی را تشکیل می‌دهند که در رابطه متقابل با یکدیگرند. چنین واحدهایی به دلیل ویژگی مشترکی که دارند «هم‌حوزه» محسوب می‌شوند (صفوی، ۱۳۷۸: ۱۹۰). بر این اساس «رابطه همنشینی» رابطه‌ای از نوع ترکیب میان الفاظی است که در زنجیره کلامی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند (بی‌برویش، ۱۳۷۴: ۳۰). رابطه همنشینی انواع مختلفی دارد: «مکملی» رابطه‌ای است که بر پایه ساختار نحوی بین دو هم‌نشین برقرار می‌گردد. رابطه «اشتدادی» رابطه دو مفهومی است که مؤلفه معنایی مشترک دارند و در مقام تقویت و معاضدت یکدیگرند. رابطه «تقابلی» رابطه دو مفهومی است که مؤلفه معنایی مشترک دارند، ولی یکدیگر را نقض می‌کنند و در مقام تضعیف و نفی هم هستند (سلمان‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۶). رابطه «جانشینی» نیز ارتباط عناصر را با جانشین‌های آن توصیف می‌کند (تقدیسی، ۱۳۹۲: ۴۸-۴۹). در این پژوهش از روابط مذکور استفاده شده است.

پیشینه تحقیق

بررسی پیشینه معناشناسی واژه «علم» در قرآن بیانگر آن است که تاکنون تنها دو پژوهش مرتبط در این زمینه صورت گرفته است. بختیاری و تقوی (۱۳۹۳) در مقاله «معناشناسی واژه «علم» در تعلقات سبع و قرآن کریم از منظر روابط معنایی» واژه علم را در دوره جاهلیت و اسلام معناشناسی نموده‌اند. در روش تقابل با استفاده از کلمات و واژه‌هایی که در تقابل با علم در بافت متن به کار رفته معنای علم استخراج شده است و در روش هم‌معنایی نیز با استفاده از واژه‌هایی که در بافت متن به عنوان واژه جایگزین علم به کار رفته معنای علم به دست آمده است. نتیجه این مقاله آن است که در دوره جاهلیت، بیشترین معنای علم را می‌توان در تجربیات فردی و سطحی از آگاهی نسبت به محیط پیرامون مشاهده کرد، در حالی که در آیات قرآن معنای علم ابعاد معرفتی و شناختی پیدا کرده است. پژوهش دیگری را وحدانی‌فر (۱۳۹۶) با عنوان «هویت یابی علم در اندیشه قرآن و روایات» انجام داده است که همان‌گونه که از عنوان آن نیز برمی‌آید تکیه‌گاه وی کاربرد این واژه در قرآن و روایات است. همچنین نتیجه این پژوهش این است که علم در قرآن و روایات بر مطلق علوم و آگاهی‌ها در رشته‌های مختلف را شامل می‌شود. بر این اساس پژوهش حاضر از نظر محدوده و منابع تحقیق، روش و نتایج به دست آمده با هر دو مقاله مذکور متفاوت است.

۱. معنای لغوی «علم»

کلمه «علم» مصدر از آن ریشه است که اهل لغت غالباً آن را نقیض «جهل» معنا کرده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۲: ۱۵۲؛ ابن‌درید ازدی، ۱۹۸۷م: ج ۲: ۹۴۸؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۱۲: ۴۱۷). برخی آن را هم‌معنا با معرفت و شعور می‌دانند (زبیدی، بی‌تا: ج ۱۷: ۴۹۵). اما عده‌ای بین این واژه‌ها تفاوت معنایی قائل‌اند. برای مثال ابوهلال گفته است که علم با دو مفعول، اما معرفت یک مفعول متعدی می‌شوند؛ ضمن آنکه لفظ معرفت افاده تمییز علوم از غیر آنها را می‌کند اما لفظ علم این گونه نیست (عسکری، ۱۴۰۰: ۱۷). راغب علم را به معنای ادراک حقیقت هر چیزی می‌داند که گاه با مفعول واحد نیز متعدی می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۸۰). به گفته مؤلف التحقيق، اصل ماده علم به معنای حضور و احاطه بر چیزی است؛ اگر علم با تمییز و ادراک خصوصیات همراه باشد به معنای معرفت است و اگر به حد طمأنینه و سکینه برسد هم‌معنا با یقین است (مصطفوی، ۱۳۸۵: ج ۸: ۲۵۱).

۲. بررسی کاربردهای «علم» با الف و لام در قرآن

۲-۱. همشینی «جاءک» و «العلم»

در چهار آیه، کلمه «العلم» در ترکیب «جاءک مِنَ الْعِلْمِ» خطاب به پیامبر اکرم (ص) و موجب رابطه مکملی میان آنها شده است. آیات یاد شده چنین است؛ از جمله: «وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَى وَلَئِنَّ آتِیَّتَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ» (البقرة: ۱۲۰؛ برای موارد دیگر نک: البقرة: ۱۴۵؛ آل عمران: ۶۱؛ الرعد: ۳۷).

بررسی تفاسیر نشان از چند نتیجه دارد. اولاً، مفسران غالباً درباره معنای «العلم» توضیح نداده‌اند و در اندکی از تفاسیر این کلمه و نیز عبارت‌های مرتبط معنانشناسی شده‌اند. ثانیاً، مفسران در بیان وجه معنای «العلم» در این آیه هم‌داستان نیستند و اندک نظرات ارائه شده نیز متعدد است. برخی گفته‌اند: «بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ» یعنی بعد از آنکه آشکار شد دین اسلام حق است (سمرقندی، ۱۴۱۶ق: ج ۱: ۸۹)، عده‌ای آن را به معنای دین صحیح بر اساس برهان‌های آشکار و قاطع (فخر رازی، ۱۴۰۲ق: ج ۴: ۲۹) و شماری نیز «العلم» را به معنای «وحی»، «قرآن»، «آیات» و موارد مشابه دانسته‌اند (بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ج ۱: ۱۰۳ و ۱۲۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۱: ۳۷۰؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۲: ۹۴). به گفته ابن عاشور نام بردن از آنچه نازل شده با کلمه «العلم» بر وجه مبالغه و با این هدف است که نشان دهد همه علم همان است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ج ۲: ۳۷).

ثالثاً، برخی مفسران، با وجود بافت و مضمون مشابه عبارت مذکور در چند آیه، نظر واحد نداده‌اند. طبرسی در ذیل آیه ۱۲۰ سوره بقره، آن را به معنای بیانی از جانب خداوند متعال معنا کرده (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱: ۳۷۴) اما در تفسیر آیه ۱۴۵ آن سوره، همان عبارت را به معنای آیات و وحی معنا نموده و تأکید کرده است که وحی، طریق کسب علم است (همان، ج ۱: ۴۲۲). زمخشری نیز این عبارت را در ذیل آیه ۱۲۰ سوره بقره به معنای دین صحیح بر اساس برهان‌های آشکار (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۱: ۱۸۳) و در ذیل آیه ۱۴۵ سوره بقره آن را بینات معنا کرده که موجب علم است (همان، ج ۱: ۳۶۸).

۲-۲. همشینی «جاءنی» و «العلم»

در یک آیه، ترکیب مشابه موارد پیشین از قول ابراهیم (ع) خطاب به آزر بیان شده است: «يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا» (مریم: ۴۳).

گروهی از مفسران نوشته‌اند که مقصود از «العلم» در این آیه، «وحی» است (نسفی، ۱۴۱۶ق: ج ۳: ۵۹؛ حوی، ۱۴۲۴ق: ج ۶: ۳۲۷۶).

۲-۳. همنشینی «جاءَهُمْ» و «العلم»

در شماری از آیات «جاءَهُمْ» و «العلم» همنشین شده‌اند؛ از جمله: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْجِسَابِ» (آل عمران: ۱۹؛ همچنین نک: یونس: ۹۳؛ الشوری: ۱۴؛ الجاثیه: ۱۷).

مفسران درباره مقصود آیه از «العلم» چندان بحثی ننموده‌اند. درباره آیه ۹۱ آل عمران، برخی علم را در اینجا اعم از دلایلی می‌دانند که موجب علم می‌شود (فخررازی، ۱۴۲۰ق: ۷: ۱۷۲). در باره‌ای از تفاسیر، «العلم» در این آیه «انجیل» عنوان شده (ابوالفتوح، ۱۴۰۸ق: ۴: ۲۳۶) اما شماری دیگر از مفسران، آن را به معنای «کتاب» (طبری، ۱۴۱۲ق: ۳: ۱۴۲؛ ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹ق: ۲: ۶۱۸) به نقل از ابوالعالیه و «وحی»-که خود سبب حصول علم است- (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۲: ۱۰۴) می‌دانند. ابن‌عاشور توضیح داده‌است که در اینجا از وحی بر پیامبران با کلمه «علم» تعبیر شده‌است؛ با وجود آنکه شأن چنین علمی این بود که باید موجب جلوگیری آنان از اختلاف می‌شد، لیکن آنان برخلاف خواست خداوند عمل نمودند (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق: ۳: ۵۶). طباطبایی نیز گفته‌است که اختلاف اهل کتاب در دین علی‌رغم نزول کتاب الهی بر آنان بود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳: ۱۲۱).

در تفسیر آیه ۹۳ یونس، مقاتل «حَتَّى جَاءَهُمُ الْعِلْمُ» را بعثت پیامبر (ص) ذکر کرده (بلخی، ۱۴۲۳ق: ۳: ۸۳۸) و فراء بغوی «العلم» را پیامبر اکرم (ص) و صفات او عنوان نموده‌است (فراء، ۱۹۸۰م: ج ۱: ۴۷۸). اما در تفسیر بحر العلوم «حَتَّى جَاءَهُمُ الْعِلْمُ» چنین معنا شده‌است: یعنی پیامبر (ص) قرآن را به سوی ایشان آورد (سمرقندی، ۱۴۱۶ق: ۲: ۱۳۱). مؤلف مجمع البیان نیز به نقل از ابن عباس گفته‌است که «العلم» به معنای قرآن است (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۵: ۲۰۰).

در تفسیر آیه ۱۷ جاثیه اغلب مفسران «العلم» را توضیح نداده‌اند و اندک موارد موجود نیز آن را اعم از دلایل و بینات (فخررازی، ۱۴۲۰ق: ج ۲۷: ۶۷۵)، علم و آگاهی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۲۱: ۲۵۰) و ... دانسته‌اند. در حالی که سیاق آیات نشان می‌دهد در این آیه نیز مقصود از «العلم» وحی است. زیرا آیه قبل تأکید کرده‌است که بر موسی کتاب، حکم و نبوت داده شد: «وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَءِيلَ الْكِتَابَ وَ الْحُكْمَ وَ النَّبُوَّةَ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ» (الجاثیه: ۱۶). آیه بعد نیز در ساختی مشابه با آیه ۱۵ سوره شوری دارد-که در مبحث بعد بررسی خواهد شد-و مطابق آن، فرمان نهی از هوس‌های افراد نادان، با فرمان تبعیت از شریعت رابطه تقابلی دارد: «ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَى شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (الجاثیه: ۱۸). لذا در مجموع، «العلم» در این آیه به معنای «وحی» است. همچنین در آیه ۱۷، رابطه اشتدادی میان «بینات» و «العلم» وجود دارد؛ بدین معنا که هر دو به معنای وحی الهی هستند.

۲-۴. رابطه ترکیب «جاءك من العلم» با «حكم عربی»

در این آیه علاوه بر رابطه مکملی «العلم» با فعل «جاء» رابطه‌ای میان دو عبارت «أَنْزَلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا» و «بَعْدَ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ» وجود دارد: «وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا وَ لَئِنْ أَتَبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا وَاقٍ» (الرعد: ۳۷).

مقصود از «حكم عربی» در این آیه، به تصریح برخی مفسران، چیزی جز قرآن نیست؛ زیرا قرآن دربردارنده شریعت است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۱: ۳۷۳). به ویژه آنکه حکم، با وصف «عربی» بودن آمده که با توجه به آیاتی دیگر (نک: یوسف: ۲؛ طه: ۱۱۳) این وصف درباره قرآن به کار رفته است. لذا معنای آیه این خواهد بود که ما این «قرآن عربی» را بر تو نازل کردیم و اگر پس از آمدن «آن»، از هوس‌های آنها پیروی کنی ولی و حمایت‌گری نخواهی داشت. بر این اساس، رابطه میان دو عبارت «أَنْزَلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا» و «بَعْدَ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ» اشتدادی خواهد بود. بدین معنا که این دو عبارت مؤلفه معنایی مشترک دارند و یکدیگر را تأیید و تقویت می‌کنند و هم‌پوشی آنها نیز کامل است؛ یعنی «حكم عربی» و «العلم» هم‌معنا هستند.

۲-۵. جانشینی «الحق» با «العلم»

در ترکیبی مشابه با مورد پیشین (الرعد: ۳۷)، واژه «الحق» با واژه «العلم» جایگزین شده است: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَ مُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَأَحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شُرْعَةً وَ مِنْهَا جَاءَ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ» (المائدة: ۴۸).

بنا بر این، موارد زیر رابطه اشتدادی دارند: «أَنْزَلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا» در سوره رعد با «فَأَحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ» و «أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ» در آیه مورد بحث که ناظر به قرآن خواهند بود؛ «لَئِنْ أَتَبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ» با «وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ» که نشان می‌دهد، «العلم» همان «الحق» است.

در برخی تفاسیر تصریح شده است که مقصود از «عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ»، قرآن است (بلخی، ۱۴۲۳ق: ۱: ج ۴۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۴: ۴۰۱؛ شحاته، ۱۴۲۱ق: ج ۳: ۱۰۹۷) فراز ابتدایی آیه نیز این موضوع را تأیید می‌کند. در یک آیه دیگر نیز ترکیب مشابه با «جاءك من الحق» بدون حرف «من» آمده است که در ساخت آن مؤلفه‌های مشابه با آیات پیشین موجود دارد: «فَإِنْ كُنْتَ فِي شكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَسْئَلِ الَّذِينَ يَقْرَأُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ» (یونس: ۹۴). برخی مفسران در ذیل این آیه نیز «الحق» را به معنای قرآن ذکر کرده‌اند (سمرقندی، ۱۴۱۶ق: ج ۲: ۱۳۲).

لذا مقصود از «الحق» در این دو آیه قرآن است و با توجه به رابطه اشتدادی آن با آیه ۳۷ سوره رعد، «العلم» و «الحق» هر دو ناظر به قرآن خواهند بود.

۲-۶. همنشینی «جاءك من العلم» و «جاءك من الحق» با «لا تتبع أهواءهم»

پیش‌تر مشخص شد که دو عبارت «جاءك من العلم» و «جاءك من الحق» رابطه اشتدادی دارند؛ در آیه پیشین (الرعد: ۳۷) و این آیه، عبارت «لا تتبع أهواءهم» در رابطه تقابلی با آنها قرار گرفته است: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ» (المائدة: ۴۸).

عبارت «لا تتبع أهواءهم» در ساخت‌هایی دیگر نیز در آیاتی موجب روشن شدن معنای «العلم» می‌شوند که در مباحث آتی بدان می‌پردازیم.

۲-۷. همنشین‌های «لا تتبع أهواءهم»

در این آیه عبارت «لا تتبع أهواءهم» در مقابل عبارت «احْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ» قرار گرفته است: «وَأِنْ أَحْكَمْتُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ دُنُوْبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ» (المائدة: ۴۹).

تأکید بر حکم بر اساس آنچه خداوند نازل کرده است و هشدار به پیامبر (ص) از فتنه‌گری در انحراف از پاره‌ای از آنچه به او نازل شده است، تأیید می‌کند که رابطه عبارت «لا تتبع أهواءهم» در نقطه مقابل فرمان به حکم بر اساس «ما أَنْزَلَ اللَّهُ» است. در تفاسیر نیز تأکید شده است که «ما أَنْزَلَ اللَّهُ» همان قرآن است (طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۶: ۱۷۶؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق: ج ۴: ۱۱۵۴؛ سمرقندی، ۱۴۱۶ق: ج ۱: ۳۹۶؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ج ۵: ۱۲۷؛ خطیب، ۱۴۲۴ق: ج ۳: ۱۱۱۱). بنا بر این، دو عبارت «جاءك من العلم» و «جاءك من الحق» با عبارت «بما أَنْزَلَ اللَّهُ» هم‌پوشی معنایی کامل خواهد داشت؛ یعنی «العلم» و «الحق» همان «ما أَنْزَلَ اللَّهُ» یعنی قرآن است.

این آیه هم مشابه آیه پیشین است که در آن، عبارت «لا تتبع أهواءهم» در مقابل دعوت به ایمان «بما أَنْزَلَ اللَّهُ» قرار گرفته است: «فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ» (الشورى: ۱۵).

عبارت «لا تتبع أهواءهم» در این آیه نیز در مقابل فرمان تبعیت از وحی و شریعت قرار گرفته است که بر اساس آن، «ما أَنْزَلَ اللَّهُ» همان شریعت خواهد بود: «ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَى شَرِيعَةٍ مِنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (الجاثية: ۱۸).

در برخی تفاسیر آمده‌است که خداوند در این آیه امر شده‌است به تبعیت از «آنچه به او وحی می‌شود» و فرمان نبردن از هوس‌های افراد نادان مخالف با دین الهی (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۸: ۱۶۶). لذا در این آیه نیز شریعت، همان چیزی است که به پیامبر وحی شده‌است که در نهایت باید آن را معادل قرآن دانست.

آیه‌ای دیگر نیز خطاب به داود (ع) در ساختن مشابه آنچه خطاب به پیامبر (ص) ذکر شده، وجود دارد؛ در اینجا نیز «الحق» عبارت از وحی نازل شده بر داود (ع) خواهد بود: «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ» (ص: ۲۶).

۲-۸. جانشین‌های «وَلَا تَتَّبِعِ أَهْوَاءَهُمْ»

در یک آیه فرمان تبعیت از وحی با عبارت «اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» در تقابل با «أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» ملاحظه می‌شود: «اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» (الأنعام: ۱۰۶).

بر این اساس و با توجه به مباحث پیشین، «أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» جانشین «وَلَا تَتَّبِعِ أَهْوَاءَهُمْ» محسوب خواهد شد. همچنین این رابطه موجب می‌شود که همپوشی کامل میان عبارت «مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» با «العلم»، «الحق» و «مَا أَنْزَلَ اللَّهُ» به دست آید.

در این آیه هم عبارت «اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» در تقابل با «وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ الْمُتَافِقِينَ» نتیجه مشابهی را به دست می‌دهد: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَ لَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ الْمُتَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا * وَ اتَّبِعْ مَا يُوْحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (الأحزاب: ۱-۲).

۲-۹. همنشینی «العلم» و فعل از ریشه «أَتَى»

در ۱۰ آیه، «العلم» با فعل «اوتوا» همنشین شده‌است؛ مانند: «وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَ يَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» (سبأ: ۶؛ همچنین نک: آل عمران: ۱۸؛ محمد: ۱۶؛ العنكبوت: ۴۹؛ الإسراء: ۱۰۷؛ القصص: ۸۰؛ الحج: ۵۴؛ التَّحْلُ: ۲۷؛ الزَّوْم: ۵۶؛ المجادلة: ۱۱).

در تفاسیر مختلف، نکاتی در این باره به چشم می‌خورد. اولاً، شمار اندکی از مفسران معمولاً به معناشناسی یا بیان مصداق برای عبارت «الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» پرداخته‌اند. ثانیاً، با وجود ساخت یکسان در همنشینی «اوتوا» و «العلم» در این آیات، حتی نظرات یک مفسر درباره «الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» در آیات مختلف یکسان نیست. گرچه وجوه معنایی متعدد در قرآن بر اساس سیاق امری پذیرفته‌است، اما مفسرانی که نظرات مختلف ارائه کرده‌اند توجیه خاصی نیز ارائه ننموده‌اند تا مشخص شود که آرای آنها از سنخ وجوه معنایی مبتنی بر سیاق است. ثالثاً، تنها در مواردی «الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» را به معنای اهل کتاب دانسته‌اند که معنای دیگری نتوان برای آن تصور کرد. برای مثال در تفسیر آیه ۱۰۷ سوره

اسراء در تفسیر مقاتل آمده است که مقصود از آن یهود است (بلخی، ۱۴۲۳ق: ج ۲: ۵۵۵). یا درباره آیه ۶ سوره سبا گفته اند که منظور آیه، گروهی از اهل کتاب است که به اسلام گرویده و کتاب‌های نازل شده پیش از قرآن را خوانده بودند. (طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۲۲: ۴۴). اما در تفسیر آیه ۱۱ سوره مجادله، دلیلی بر ارائه تفسیر مشابه نیافته اند فلذا نتیجه مشخصی از تعبیر «اوتوا العلم» ارائه نداده اند. برای مثال، درباره اینکه مقصود از «وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» در سوره مجادله چه کسانی هستند توضیح چندانی در تفسیر دیده نمی شود و شمار اندکی از آنان، علم را در اینجا به معنای لغوی آن دانسته اند (نک: طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۹: ۳۸۰؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ج ۲۷: ۳۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۹: ۱۸۸). برخی نیز این تعبیر را دال بر مدح دانسته و آن را بر غیر اهل کتاب مانند فرشتگان، مؤمنان (سمرقندی، ۱۴۱۶ق: ج ۲: ۲۷۱)، پیامبران (بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ج ۳: ۲۲۴) و ... اطلاق نموده اند. با این حال، در غالب نظرانی نیز که ارائه شده و نیز مطابق با سیاق گروهی از آیات، «الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» یا اهل کتاب هستند یا کسانی که با وحی و کتاب آسمانی مرتبط هستند. بر این اساس، «العلم» در این آیات ناظر به وحی الهی است.

در یک آیه «العلم» با فعل «أُوتِيتُمْ» هم نشین است: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» (الاسراء: ۸۵).

مطابق سیاق آیات که سخن از وحی و نزول قرآن است و نیز استفاده از فعل «أُوتِيتُمْ»، در این آیه «العلم» ناظر به علمی است که از سوی خداوند ارزانی شده است. طباطبایی تأکید کرده است که عبارت «وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» یعنی آنچه درباره روح علم دارید که خداوند به شما داده است، اندکی از بسیار است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۳: ۱۹۹).

درباره این آیه که واژه «العلم» با یکی از اشکال فعلی ریشه «أَتَى» هم نشین شده، اختلاف نظر وجود دارد: «فَلَمَّا جَاءَتْ قَيْلٌ أَهْكَذَا عَزْشُكُ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ وَ أُوْتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَ كُنَّا مُسْلِمِينَ» (التمل: ۴۲).

برخی گفته اند عبارت «وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا» کلام سلیمان (ع) است و برخی نیز آن را کلام ملکه سبا یا قوم او می دانند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۵: ۳۹۹). اگر برداشت نخست صحیح باشد، «العلم» از سنخ وحی است که از سوی خداوند به سلیمان (ع) داده شده است؛ اما در غیر این صورت، «العلم» به معنای آگاهی مطابق با معنای لغوی است.

۲-۱۰-۴- جانشینی «اوتوا الكتاب» با «اوتوا العلم»

در ۱۶ آیه، عبارت «الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ» به کار رفته است؛ از جمله: «وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (البقرة: ۱۰۱)؛ برای دیگر موارد نک: البقرة: ۱۴۴ و ۱۴۵؛ آل عمران: ۱۹، ۲۰، ۱۰۰، ۱۸۶ و ۱۸۷؛ النساء: ۴۷ و ۱۳۱؛ المائدة: ۵ و ۵۷؛ التوبة: ۲۹؛ الحديد: ۱۶؛ المدثر: ۳۱؛ البینة: ۴)

مقصود از «الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ» در همه آیات مذکور، یهود و نصاری یا یکی از آن دو گروه است و «کتاب» نیز بر «تورات» و «انجیل» یا یکی از آنها اطلاق شده است. آراء تفسیری نیز در این باره همداستان هستند (برای نمونه نک: بلخی، ۱۴۲۳ق: ج ۱: ۱۲۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۳: ۲۵۱؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ج ۵: ۴۴). با توجه به ساخت مشابه «الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» و «الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ» و عدم تردید بر اینکه «کتاب» در عبارت اخیر، اعم از مطالب وحی شده است، نتیجه این خواهد بود که این دو عبارت رابطه اشتدادی و همپوشی معنایی دارند. لذا «العلم» با «الکتاب» هم معنا و هر دو با وحی مرتبط خواهند بود.

۲-۱۱-۱۱-۴- بررسی دیگر کاربردهای «العلم» بر اساس معنا

در آیاتی دیگر از قرآن نیز واژه «العلم» آمده است. در دو آیه زیر تأکید شده است که علم منحصرأ نزد خداوند است: از جمله: «قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَ أُبَلِّغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ وَ لَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ» (الأحقاف: ۲۳؛ همچنین نک: الملک: ۲۶).

در اینجا الف و لام کلمه «العلم» از نوع عهد ذکری است که بر اساس آیه پیشین در هر دو مورد، ناظر به آگاهی از زمان تحقق وعده‌ای است که از سوی پیامبر (ص) داده شده بود (نک: ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ج ۲۹: ۴۶). لذا «العلم» در این دو آیه به معنای «علم» غیب الهی است؛ لذا این علم نیز از سنخ وحی و کتاب است.

در دو آیه، واژه «العلم» در ترکیب «الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» به کار رفته است: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَ أُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَ ابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَ مَا يَذْكُرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبَابِ» (آل عمران: ۷)؛ «لَكِنِ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَ الْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَ مَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَ الْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَ الْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ الْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا» (النساء: ۱۶۲).

با وجود ساخت مشترک ترکیب «الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» نظرات تفسیری درباره آن در دو آیه یکسان نیست. عموم مفسران در تفسیر آیه ۱۶۲ سوره نساء، راسخان در علم را اهل کتاب و مشخصاً یهود می‌دانند و علم را نیز به تورات اطلاق می‌کنند (بلخی، ۱۴۲۳ق: ج ۱: ۴۲۲؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق: ج ۶: ۱۸؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق: ج ۴: ۱۱۱۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۳: ۲۱۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۱: ۵۹۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۵: ۱۳۸). اما در آیه ۷ سوره آل عمران با توجه به سیاق، رسوخ در علم در این آیه به قرآن مرتبط است. در برخی تفاسیر، علم به معنای دانش و آگاهی آمده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۲: ۴۴۰؛ امین، بی‌تا: ج ۳: ۲۳)؛ اما شماری از مفسران علی‌رغم اختلاف نظرهایی که درباره تفسیر این آیه دارند، از ارتباط این کلمه با «قرآن» غافل نبوده‌اند (نک: طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۲: ۷۰۱؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ج ۳: ۲۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۳: ۲۸).

در یک آیه، واژه «العلم» در ساختی منحصر به فرد به کار رفته است: «ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدَى» (التَّجْم: ۳۰).

با توجه به سیاق می توان دریافت که مقصود از «العلم» در اینجا نیز همانند دیگر کاربردهای این کلمه در قرآن، دانش و آگاهی به معنای عام نیست. در آیه ۲۷ و ۲۸ سوره مزبور آمده است که ناباوران به آخرت، فرشتگان را به صورت مؤنث نام می نهند در حالی که علمی برای آنان در این زمینه حاصل نشده و از ظن خود پیروی می کنند؛ اما ظن در حصول حقیقت سودی نمی رساند. در میزان آمده است: «کلمه حق به معنای واقعیت هر چیزی است و می دانیم که واقعیت هر چیزی جز به علم، یعنی اعتقاد مانع از نقیض (به عبارت دیگر احتمال صد در صد) درک نمی شود و در غیر علم احتمال خلاف وجود دارد. فلذا واقعیت چیزی را نشان نمی دهد، پس هیچ مجوزی نیست که انسان در درک حقایق به آن اعتماد کند» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۹: ۴۱). بدیهی است انسان در امور جاری نمی تواند در همه مسائل به علم به معنایی که مطابق با واقعیت باشد دست یابد؛ بر این اساس است که حتی در فقه نیز گفته شده است که در اموری که به دست آوردن قطع معتذر است و نمی تواند بر قطع معلق باشد، گریزی از تعلیق بر ظن نیست؛ لذا از برخی نقل شده که ایجاب تعبد به ظن بر خداوند واجب و ترک آن بر او قبیح است (انصاری، ۱۴۱۵ق: ج ۱: ۱۲۳). اما برخی منکر تعبد به ظن هستند (سید مرتضی، ۱۳۴۶: ج ۲: ۵۱۷). بر این مبنا به طریق اولی، در امور اعتقادی مانند آگاهی بر ذکور یا اناث بودن فرشتگان، ظن نمی تواند راهگشا باشد و ضرورتاً باید علم و قطعیت حاصل شود و قرآن در آیات متعدد بیان نموده است که چنین قطعیتی مستلزم آن است که از سوی خداوند «سلطان» نازل شده باشد؛ در غیر این صورت، علمی وجود نخواهد داشت: «وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يَنْزِلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَا لَيْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ» (الحج: ۷۱).

لذا در همه آیاتی که تقابل «علم» حتی بدون الف و لام یا در قالب فعل با «ظن» وجود دارد، باید علم را به معنای همان قطعیت دانست که مسیر آن در امور دینی و اعتقادی چیزی جز «وحی» نخواهد بود که در شماری از آیات به آن تصریح شده است (البقرة: ۷۸؛ النساء: ۱۵۷؛ الانعام: ۱۴۸؛ یونس: ۳۶؛ الجاثية: ۲۴). نتیجه آنکه گاه، واژه علم بدون الف و لام نیز در بافت مربوط به امور اعتقادی به معنای علمی خواهد بود که منشأ آن خداوند است.

در این آیه «العلم» درباره طالوت به کار رفته است: «وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (البقرة: ۲۴۷).

انتخاب طالوت به عنوان ملک از سوی خداوند و انتساب «العلم» به خداوند نشان دهنده این است که علم در این آیه به معنای علوم اکتسابی نیست و می توان آن را از سنخ علوم الهی مانند وحی، الهام

و ... دانست. حتی اگر مقصود از علم، آگاهی او به فنون رزمی یا اداره امور مملکت باشد؛ برخی نیز گفته‌اند که به وحی می‌شد و او جزء انبیاء بود (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۱: ۲۹۲).
 درباره عبارت «فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ» در آیه زیر چند دیدگاه وجود دارد: «فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤْنَ» (غافر: ۸۳).
 به گفته جبائی رسولان شادی کردند به آنچه که از علم در نزدشان بود. اما حسن و مجاهد گفته‌اند: کافران شادی کردند به آنچه که از علم پیش ایشان بود، در حالی که آن در حقیقت جهل بود، زیرا ایشان می‌گفتند که ما از پیامبران داناتریم، مبعوث نشده و معذب نخواهیم شد و گمان و اعتقاد داشتند که این چنین فکری علم است، پس خداوند نیز طبق اعتقاد خود آنان نسبت به ایشان لفظ علم را اطلاق کرده‌است اگر چه در حقیقت علم نیست. ضحاک نیز گوید: منظور این است که شادی کردند به شرکی که به آن اعتقاد داشته و به آن اعجاب کرده و گمان می‌کردند که آن علم است (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۸: ۸۳۲). در صورت نخست، «العلم» مانند دیگر کاربردهای آن از سنخ علوم الهی مانند وحی است؛ اما در دو صورت دیگر، قرآن گمان آنان را بیان کرده که فکر می‌کردند آگاهی آنها از سنخ علم قطعی است که در این حالت نیز در مقام مقایسه با علومی مانند وحی باید تلقی شود.

۳. بررسی کاربردهای «علم» بدون الف و لام در قرآن

در ۴۸ مورد واژه «علم» در قرآن بدون الف و لام به کار رفته‌است. در مواردی، علم در این آیات بیان‌کننده شناخت و آگاهی است که با معنای لغوی آن مطابقت دارد؛ اما برخی کاربردهای آن، با توجه به همنشینی با مؤلفه‌هایی مشابه با همنشین‌های «العلم» بر معنای خاصی دلالت دارد که در ادامه بررسی می‌شود.

۳-۱. همنشینی «علم» با «وحی» و «قرآن»

درباره مقصود از علم در آیه زیر نظرات مفسران مختلف است: «فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَ لَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَ قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه: ۱۱۴).
 حفظ (طبرانی، ۲۰۰۸م: ج ۴: ۲۶۵)، فهم (ثعلبی، ۱۴۲۲ق: ج ۶: ۲۶۲)، دانش مصطلح و معنای عام و لغوی علم (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۷: ۵۲) از موارد ذکر شده‌است. اما گروهی از مفسران با توجه به سیاق گفته‌اند که منظور از علم در این آیه وحی و قرآن است (بلخی، ۱۴۲۳ق: ج ۳: ۴۳؛ سمرقندی، ۱۴۱۶ق: ج ۲: ۴۱۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۴: ۲۱۶).

۳-۲. همنشینی «علم» با «آئینا»

در چند آیه، علم در کنار «حکم» از سوی خداوند به شماری از پیامبران، شامل یوسف، لوط، داود، سلیمان و موسی (ع) داده شده و از فعل «آئینا» به کار رفته‌است؛ از جمله: وَ لَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَ عِلْمًا وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (یوسف: ۲۲؛ همچنین نک: القصص: ۱۴؛ التمل: ۱۵).

شمار اندکی از مفسران در این آیات به بیان معنای علم پرداخته‌اند که در این میان، برخی علم را به معنای فهم یا دانش و یا موارد دیگر دانسته‌اند (برای نمونه نک: سمرقندی، ۱۴۱۶ق: ج ۲: ۱۸۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۲: ۴۵۴)؛ اما طبرسی به نقل از ابن عباس، حکم را به معنای نبوت و علم را به معنای شریعت ذکر کرده‌است (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۵: ۳۳۹). به هر حال با توجه به کاربرد فعل «آتینا» محرز است که این علم به خداوند منسوب و از سنخ مواردی مانند وحی است.

۳-۳. همنشینی «علم» با «علمنا» و «علمتنا»

در سه آیه، کلمه «علم» با فعل «علمنا» به خداوند منسوب شده‌است؛ از جمله: «وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُمْ مَا كَانَ يُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةً فِي نَفْسِ يَعْقُوبَ قَضَاهَا وَإِنَّهُ لُدُو عَلِيمٍ لِمَا عَلَّمْنَاهُمْ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (یوسف: ۶۸؛ همچنین نک: البقرة: ۳۲؛ الکهف: ۶۵). به گفته طباطبائی، فعل «علمنا» و تأکید بر جهل اکثر مردم در پایان آیه ۶۸ یوسف نشان دهنده آن است که این علم اکتسابی نیست و موهبتی الهی است (طباطبائی، ۱۳۹۰: ج ۱۱: ۲۲۰)؛ لذا روشن است که علم در هر دو آیه از سنخ وحی و قرآن و مانند آنهاست.

۴-۳. همنشینی «علم» با «کتاب»

در آیه زیر علم به «الکتاب» اضافه شده‌است: «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسَتْ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» (الزعد: ۴۳). با توجه به اینکه مقصود از کتاب در این آیه در تفاسیر لوح محفوظ (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۲: ۵۳۶) تورات و انجیل (بلخی، ۱۴۲۳ق: ج ۲: ۳۸۴؛ طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۱۳: ۱۱۸) یا قرآن (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۶: ۴۶۳؛ نظام، ۱۴۱۶ق: ج ۴: ۱۶۷) است، عام نیز از سنخ علوم الهی مانند وحی و قرآن و مانند آن خواهد بود.

در آیه زیر هم همنشینی «علم» با «کتاب» ملاحظه می‌شود: قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ أَتُنُونِي بِكِتَابٍ مِنْ قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَارَةٍ مِنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (الأحقاف: ۴).

با توجه به سیاق و عبارت «اتُّنُونِي بِكِتَابٍ مِنْ قَبْلِ هَذَا» که در آن مقصود از «هذا» قرآن و منظور از «کتاب» نیز کتاب‌های انبیای پیشین است، (طباطبائی، ۱۳۹۰: ج ۱۸: ۱۸۷) مقصود از علم از سنخ مطالب منسوب به خداوند خواهد بود نه هر دانشی. ابن عاشور بر آن است که «أَثَارَةٍ مِنْ عِلْمٍ» آن بخشی است که در کتاب‌ها نوشته نشده بلکه روایت شده‌است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ج ۲۶: ۱۰). یعنی به عبارت دیگر، مطالب دینی شفاهی را شامل می‌شود.

در آیه دیگری بیان شده‌است که تفصیل «کتاب» برای مردمان، بر اساس «علم» صورت گرفته‌است: «وَلَقَدْ جِئْنَاهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَى عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (الأعراف: ۵۲). مقصود از کتاب در اینجا «قرآن» است (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۴: ۳۶۶) و «علم» نیز با فعل «فَصَّلْنَاهُ» به خداوند

انتساب یافته است. طباطبایی با عبارت «علی علم منا» بر این رابطه تأکید نموده است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۸: ۱۳۵).

آیه دیگری که در آن «علم» و «کتاب» همنشین شده‌اند درباره شخصی است که در روایات از او با نام «آصف بن برخیا» نام برده‌اند. برخی نیز گفته‌اند او «خضر» بوده است (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ج ۵: ۱۰۹): «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَ شْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ (النمل: ۴۰)». برخی علمی از کتب را به معنای آگاهی از اسم اعظم الهی دانسته‌اند (بلخی، ۱۴۲۳ق: ج ۳: ۳۰۷). در نقل‌های دیگری گفته شده که مقصود از آن «لوح محفوظ» یا جنس «کتاب‌های انبیاء» است نه کتابی مشخص (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۷: ۳۴۸). زمخشری آن را اعم از «وحی» و «شرايع» دانسته است (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۳: ۳۶۸). به هر حال، علم در این آیه از سنخ همان علوم منتسب به خداوند است.

۳-۵. دیگر کاربردهای «علم» بدون الف و لام در قرآن

هشت مورد از کاربردهای واژه علم در قرآن با توجه به سیاق و همنشین‌های آن، ناظر به معنای لغوی آن است (نک: یوسف: ۷۶؛ التحل: ۷۰؛ الإسراء: ۳۶؛ الحج: ۵؛ التور: ۱۵؛ القصص: ۷۸؛ الزمر: ۴۹؛ الفتح: ۲۵). اما در ۳۲ مورد، سیاق و مؤلفه‌های همنشین بیانگر آن است که واژه «علم» در معنای دانشی مانند وحی، علم الهی، کتاب‌های آسمانی و مانند آنهاست که در جدول زیر به آنها اشاره شده است.

نشانی آیات	وجه هم‌سنخ بودن با علم الهی، وحی و کتاب آسمانی و ...
البقرة: ۶۶	تأکید بر اینکه «خداوند» می‌داند و اهل کتاب علم ندارند.
النساء: ۱۵۷؛ الأنعام: ۱۰۰، ۱۱۹، ۱۴۰، ۱۴۴؛ التحل: ۲۵؛ الکهف: ۵؛ الحج: ۳ و ۸ و ۷۱؛ العنکبوت: ۸؛ الزوم: ۲۹؛ لقمان: ۶، ۱۵ و ۲۰؛ غافر: ۴۲؛ الزخرف: ۲۰؛ الجاثية: ۲۴؛ التجم: ۲۸.	مشابه آیه ۳۰ سوره نجم که در آن علم، تصریحاً یا تلویحاً در برابر ظن قرار گرفته است یا مبنای علم، غیر الهی معرفی شده است.
المائدة: ۱۰۹.	تأکید بر اینکه فقط خداوند علام الغیوب است نشان می‌دهد که مقصود از علم، علم غیب است.
هود: ۴۶ و ۴۷.	فحوای آیه بیانگر بی‌اطلاعی نوح از علمی است که خداوند آن را داراست.
لقمان: ۳۴؛ فصلت: ۴۷؛ الزخرف: ۸۵.	علم الساعة از سنخ علم غیب است.

ص: ۶۹ .	تصریح بر ملاً اعلی نشان دهنده آسمانی بودن علم است .
الدّخان: ۳۲؛ الجاثیة: ۲۳ .	علم به خداوند انتساب یافته است .
التّجم: ۳۵ .	اضافه علم به الغیب نشان دهنده آسمانی بودن علم است .
التّکاثّر: ۵ .	اضافه علم به یقین نشان دهنده آسمانی بودن علم است .

نتایج

از بررسی کاربردهای واژه «علم» در قرآن، اعم از دارای الف و لام یا فاقد آن بر اساس روابط همنشینی و جانشینی این نتیجه به دست می‌آید که این واژه بالغلبه برای آن دسته از دانش و آگاهی و شناختی به کار رفته است که به خداوند منتسب بوده، منبع آن علم الهی است. به نحوی که از ۷۴ مورد کاربرد واژه مذکور در قرآن ۶۶ مورد یعنی حدود ۹۰ درصد چنین معنایی دارد. لذا غالباً افعالی که نشان از اعطای و القای «علم» از سوی خداوند دارد در آیات مزبور استفاده شده است. بیشترین موارد دریافت کنندگان علم نیز انبیاء هستند و در مواردی نیز که دیگران، مانند اهل کتاب، به عنوان دریافت کننده نام برده می‌شوند، مقصود از علم، وحی نازل شده بر پیامبران آنهاست. این علم، از مجرای وحی و گاه الهام در اختیار انبیاء نیز قرار گرفته و از آنجا که کتاب‌های آسمانی اعم از تورات، انجیل و قرآن نیز ماحصل وحی الهی هستند، از آنها نیز در قرآن با واژه علم تعبیر شده است. همچنین، قرآن هرگونه دانش و شناخت و آگاهی را که فاقد قطعیت و یقین‌آوری باشد از حوزه معنایی علم خارج ساخته است و بر همین اساس ظنّ را نیز با وجود اینکه احتمال بیش از ۵۰ درصد را شامل می‌شود، در برابر علم و متضاد با آن قرار داده است. از مجموع کاربردهای قرآنی واژه «علم» تنها هشت مورد یعنی ۱۰ درصد بر اساس روابط همنشینی و جانشینی، با دیگر کاربردها متفاوت بوده، در همان معنای لغوی استفاده شده است.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹). تفسیر القرآن العظیم. عربستان سعودی: مكتبة نزار مصطفى الباز.
- ابن درید ازدی، محمد بن حسن (۱۹۸۷). جمهرة اللغة. محقق: رمزي منير بعلبكي. بیروت: دار العلم للملایین.
- ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰). التحرير و التنوير. بیروت: مؤسسة التاريخ العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- ابوالفتوح، حسین بن علی (۱۴۰۸). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- امین، نصرت بیگم (بی تا). تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن. بی جا: بی نا.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۵). حاشیة علی القوانين. قم: المؤتمر العالمی للشیخ الانصاری.
- ألوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵). روح المعانی. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳). التفسیر. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸). أنوار التنزیل و أسرار التأویل. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- بی‌بروش، مانفرد (۱۳۷۴). زبانشناسی جدید، ترجمه محمدرضا باطنی، تهران: آگاه.
- ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲). الكشف و البیان. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- حوی، سعید (۱۴۲۴). الأساس فی التفسیر. قاهره: دار السلام.
- خطیب، عبدالکریم (۱۴۲۴ق). التفسیر القرآنی للقرآن. دارالفکر العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴). المفردات فی غریب القرآن. تهران: دفتر نشر کتاب.
- زیبیدی، مرتضی (بی تا). تاج العروس من جواهر القاموس. دارالفکر.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷). الکشاف. مصحح: مصطفى حسین احمد. بیروت: دار الكتاب العربی.
- سلمان نژاد، مرتضی (۱۳۹۱). معنانشناسی تدبر در قرآن با سه رویکرد ساختاری، ریشه‌شناسی و تاریخ‌اندگاره. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق (ع).

- سمرقندی، نصر بن محمد (۱۴۱۶). بحر العلوم. بیروت: دارالفکر.
- سید مرتضی، علی بن حسین (۱۳۴۶). الذریعة. تهران: دانشگاه تهران.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
- شحاته، عبدالله محمود (۱۴۲۱). تفسیر القرآن الکریم. قاهرة: دار غریب.
- صفوی، کوروش (۱۳۷۸). درآمدی بر معناشناسی، تهران: سوره مهر.
- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: اعلمی.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸). التفسیر الکبیر. ارد: دار الکتاب الثقافی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲). جامع البیان فی تفسیر آی القرآن. بیروت: دارالمعرفة.
- عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰). الفروق فی اللغة. بیروت: دار الآفاق الجديدة.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰). مفاتیح الغیب. بیروت: دارالعلم للملایین.
- فراء، یحیی بن زیاد (۱۹۸۰م). معانی القرآن. الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). العین. ایران: دارالهجرة.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن. تهران: ناصر خسرو.
- مصطفوی، حسن (۱۳۸۵). التحقيق في كلمات القرآن الكريم. تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. دار الکتب الإسلامية.
- نسفی، عبدالله بن احمد (۱۴۱۶). مدارك التنزيل وحقائق التأويل. بیروت: دار النفائس.
- نظام، حسن بن محمد (۱۴۱۶). تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان. بیروت: دار الکتب العلمية.